



# سیاست‌ر‌هایی بخش

## قرائت‌ای‌ری‌از‌های‌دگر

روزبه‌صبر‌آرا

همه‌دست‌های‌چندش‌نگاه‌کننده‌این‌جمله‌ای‌است‌که‌مار‌تین‌های‌دگر‌در‌بر‌ای‌پرسش‌کارل‌پاپس‌بر‌می‌بینی‌بر‌اینکه‌مرد‌بی‌فرهنگی‌مثل‌هیترلر‌چگونه‌می‌تواند‌آن‌ان‌را‌اداره‌کند. به‌زبان‌آرشد‌لفزش‌های‌دگر‌به‌قلمرو‌نازیسم‌آفایشیسم‌همواره‌مورد‌نقادی‌و‌طنزهای‌منتقدان‌و‌مخالفان‌فلسفه‌وی‌بوده‌است‌اما‌حتی‌آوردن‌فهرست‌بلندبالایی‌از‌تعداد‌مقالات‌و‌کتاب‌مربوطه‌به‌این‌مبحث‌عملاً‌و‌اگر‌بسی‌حرف‌هایی‌است‌که‌دیگران‌پارها‌و‌پارها‌زده‌اند‌و‌رفتماند(شاید‌هم‌ماننداند). ما‌به‌لغتی‌دیگر‌در‌این‌باب‌نیاز‌مندیم: لغتی‌که‌بتواند‌حلاک‌و‌مناط‌های‌سیاسی‌های‌دگر‌را‌در‌آستانه‌قرن‌۲۱‌آشکارتر‌سازد‌چرا‌که‌به‌قول‌موریس‌پلاتشو،‌های‌دگر‌اساساً‌نویسنده‌است‌و‌از‌این‌بابت‌مسئول: در‌واقع‌این‌لغ‌پیش‌گفته‌ما‌را‌به‌همان‌مسئولیت‌مدنظر‌پلاتشو‌را‌اندام‌بسی‌می‌کند. آیا‌اساساً‌های‌دگر‌بسی‌به‌عبارتی‌دیگر‌های‌دگر‌نویسنده‌بسی‌مسئولیت‌بوده‌اگر‌به‌صراحت‌جواب‌دهیم‌که‌بله‌های‌دگر‌در‌بر‌ای‌چنانیت‌های‌شخصی‌فایشیسم‌و‌هندستی‌اش‌یا‌آن‌غیر‌مسئولانه‌رفتار‌کرده‌به‌پیرامه‌رفته‌ایم. این‌پیرامه‌رفتن‌نه‌از‌آن‌روست‌که‌نتیجه‌بگیریم‌های‌دگر‌عملاً‌و‌نظراً‌در‌شراکت‌با‌فایشیسم‌دخیل‌نویسنده‌است‌بلکه‌باید‌لغ‌مسئولیت‌های‌دگر‌نویسنده‌و‌اقرآخ‌تر‌در‌نظر‌گرفته.

موتوری‌که‌با‌سار‌تر‌روشن‌شد‌و‌بدیه‌روشن‌شد‌و‌پژوهش‌های‌ارجمندی‌نظیر‌چلن‌مک‌کولری‌بسی‌گرفته‌شد‌این‌نوع‌تکره‌پرسش‌خود‌را‌با‌پرسش‌شاکر‌و‌های‌دگر‌بسی‌آرست‌درهم‌گروه‌می‌زنند. پرسشی‌که‌پیش‌تر‌پهل‌انگله‌شده‌مواجه‌آدمی‌پامر‌گه.

این‌نوع‌تکره‌به‌گشت‌و‌بانی‌های‌دگر‌از‌منظر‌هستی‌شناختی‌اصطلاحی‌بسی‌با‌یغ‌ورزیده‌است‌اما‌مشکل‌اینجست‌که‌عملاً‌فلسفی‌جدید‌های‌دگر‌را‌نابنده‌گرفته‌و‌آن‌را‌چون‌روزی‌روشن‌نویافته‌است‌این‌نقد‌اگر‌استفساریستی‌تعمیر‌توجهش‌معلقه‌به‌واکوی‌انطرب‌با‌دانستوری‌است‌که‌های‌دگر‌آن‌را‌در‌مواجهه‌بامر‌گ‌مطرح‌کرده‌است.

اگر‌تکویم‌این‌تفسیر‌مراسر‌اگر‌تفسیری‌است‌در‌خود‌به‌معای‌کلامی‌و‌الهیاتی‌مسیحی‌مفند‌سورن‌کی‌یر‌کلاره‌دارده‌یعنی‌درهم‌آمیزی‌های‌دگر‌و‌الهیات‌که‌بخشی‌از‌مسیحیان‌مؤمن‌اگر‌تفسیر‌است‌های‌دگر‌بسی‌سلمان‌متفلسف‌اگر‌های‌دگر‌را‌منصف‌به‌صفت‌مسئول‌بدانجه‌این‌مسئولیت‌سلسله‌ما‌در‌مفاهیم‌رویدویی‌و‌مشترک‌ت‌تأسیان‌با‌سنت‌تزی‌یک‌بهردی‌شکل‌می‌گیرند‌این‌صعبه‌مناط‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده‌را‌خوچندان‌براهمیت‌چلوه‌می‌دهند.

با‌رکشت‌یهودی‌بان‌به‌قلمرو‌های‌دگر‌در‌نیمه‌دوم‌قرن‌۲۱‌حاکمی‌از‌این‌است‌که‌یهودی‌بان‌با‌جدو‌جددی‌صوبق‌به‌مناط‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده‌بسی‌برسد‌اند‌آنها‌در‌یافتند‌که‌های‌دگر‌فایشیست‌در‌بسی‌تویمی‌سیاستی‌بسی‌کولی‌است‌نوع‌های‌متنازیک‌بهردی

هستی‌شناختی‌این‌نوم‌شکل‌گرفته. این‌رویدویی‌اساساً‌وجه‌متشکله‌مناط‌سیاسی‌های‌دگر‌را‌تشکیل‌می‌دهند.

نویسنده‌گی‌های‌دگر‌در‌اینجا‌حائز‌اهمیتی‌سیاسی‌است‌چرا‌که‌بسی‌از‌نیمه‌دوم‌قرن‌۲۰‌های‌دگر‌نویسنده‌بزعزم‌نظروروزان‌و‌آموزش‌پر‌دزالی‌انتهیات‌و‌فلسفه‌خامه‌در‌قلمرو‌فلسفه‌فلسفه‌های‌نوش‌نظر‌را‌در‌گیر‌نوعی‌دگرسانی‌هستی‌شناختی‌اگر‌ده‌است.

انتباه‌است‌اگر‌این‌دگرسانی‌و‌مراسر‌تعبیر‌به‌بهردی‌سختی‌آن‌هم‌از‌نوع‌حذف‌نیز‌یکی‌اش‌کننده‌بلکه‌این‌دگرسانی‌به‌منه‌نوعی‌مناط‌سیاسی‌دگرسانی‌متنازیک‌بهردی‌است‌که‌فی‌المنل‌فلسف‌بهردی‌ای‌تفسیر‌ژاک‌دریدا‌برای‌پیشبرد‌روزبه‌فکری‌اش‌از‌آن‌سود‌می‌جوید‌برای‌همین‌شاید‌به‌بایر‌تری‌ایکل‌تون‌روزبه‌فکری‌در‌یدا‌ای‌لغاط‌سیاسی‌مشکوک‌محدوب‌می‌شود‌اما‌باید‌سر‌این‌خط‌پایه‌مفهوم‌پیش‌گفته‌ما‌یعنی‌مشترک‌ت‌یا‌هشترک‌ت‌خالق‌به‌جای‌جای‌داده‌چرا‌که‌در‌یدا‌در‌بسی‌و‌اساری‌متنازیک‌بهردی‌با‌خضم‌بزرگ‌شیر‌خود‌یعنی‌های‌دگر‌نویسنده‌صعبه‌محدوب‌ت‌می‌دهند.

این‌خود‌نشان‌دهنده‌نوعی‌مناط‌سیاسی‌در‌یدا‌به‌اضافه‌های‌دگر‌است‌و‌از‌این‌باب‌گشتی‌است‌دگرسانی‌در‌حوزه‌متنازیک‌بهردی‌پاشنه‌اشیل‌قرائت‌ای‌برای‌از‌های‌دگر‌بسی‌توجهی‌به‌همین‌مفهوم‌مشترک‌ت‌است‌نموده‌پارز‌لین‌تکره‌گرچه‌بر‌حدود‌و‌تعمیر‌خود‌سودمند‌است‌اما‌مسئله‌ای‌که‌مناط‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده‌را‌اندیشه‌می‌گیرد‌اگر‌ایش‌به‌تفسیر‌اگر‌تفسیر‌سپان‌بسی‌های‌دگر‌است

این‌مشترک‌ت‌به‌واقع‌نوعی‌هشترک‌ت‌خالق‌است‌یعنی‌شیرک‌شمن‌در‌خلق‌هستی‌گامی‌که‌می‌تواند‌خط‌فلسفی‌میان‌مصرف‌نشان‌و‌مار‌اند‌زاد‌یکشده‌نوعی‌پیور‌ناتلر‌سم‌تبیغی‌و‌نم‌بسی‌شاید‌های‌دگر‌واقعاتی‌خواست‌تن‌به‌کنیه‌و‌تکره‌به‌مات‌جا‌بدهد‌اما‌این‌پیور‌ناتلر‌سم‌را‌دی‌کل‌فایشیستی‌همراه‌با‌مناط‌سیاسی‌دگرسانی‌بوده‌که‌به‌تغیر‌می‌شد‌و‌آن‌تن‌زده‌وقتی‌های‌دگر‌از‌دوازین‌سده‌می‌گویدند‌و‌آن‌وجه‌به‌زمنه‌هم‌مان‌پیور‌ناتلر‌سم‌این‌لغت‌ند‌مراسر‌اندیشی‌زبان‌شناختی‌است‌بلکه‌کنفی‌است‌در‌کمال‌شناسی‌جدیده‌بسی‌لغاط‌کردن‌نوعی‌مناط‌سیاسی‌بسی‌اساساً‌دوازین‌یک‌وازه‌سیاسی‌است‌و‌به‌عبارت‌پیتلر‌دوازین‌یک‌گشت‌بسی‌زبانی‌هستی‌شناختی‌در‌عرشه‌سیاست‌فلسفی‌شناسی‌جدیده‌است‌این‌مقوله‌را‌می‌توان‌در‌وساله‌اندام‌ای‌در‌باب‌اسرار‌جم‌های‌دگر‌بسی‌کولی‌کرد‌فرار‌دانش‌دوازین‌در‌زمینه‌ایدئالیسم‌المغنی‌گرچه‌ممکن‌است‌خود‌پژوهشی‌جالب‌باشند‌اما‌متأسفانه‌قارغ‌از‌مناط‌های‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده‌است‌های‌دگر‌می‌فکند‌(در‌پایخ‌به‌پاپس‌برسی)‌که‌در‌مراسر‌حاکم‌المنل‌۱۲۰۳‌استاد‌فلسفه‌کتابت‌می‌کند‌این‌برآمدن‌نوعی‌سیاست‌تزی‌بسی‌است‌این‌منز‌مطلبی‌ما‌را‌به‌این‌خط‌هدایت‌می‌کند‌که‌های‌دگر‌در‌بسی‌و‌جوب‌نوعی‌سیاست‌تزی‌بسی‌مافی‌با‌تفسیر‌جدید‌است‌منه‌با‌مصرف‌نزداد‌ای‌یک‌سود‌مار‌اند‌زاد‌سویی‌دیگر‌شاید‌های‌دگر‌نویسنده‌خواست‌از‌لغاط‌فیزیکی‌و‌زیست‌مشی‌نزداد‌یهود‌با‌قلع‌و‌فتح‌کننده‌اما‌به‌نظر‌می‌رسد‌سودای‌از‌مواجهه‌های‌تحکم‌آمیز‌با‌متنازیک‌بهردی‌بوده‌که‌در‌بسی‌نوعی‌تعبیر‌یا‌کوی‌کری

های‌دگر‌چقدر‌به‌یهودی‌بان‌نزدیک‌بوده‌باشد‌اگر‌ت‌می‌تواند‌جواب‌این‌پرسش‌را‌بدهند‌شاید‌اما‌طیما‌آرست‌می‌تواند‌مناط‌های‌سیاسی‌های‌دگر‌و‌آبراحتی‌جفت‌و‌جور‌کند‌بسی‌در‌گسری‌مادر‌این‌برونده‌سیاسی‌مدنی‌ما‌سجما‌سجما‌مناط‌های‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده‌است‌های‌دگر‌دوستان‌و‌های‌دگر‌گرم‌توزان‌می‌بینی‌بهراحتی‌می‌مار‌تین‌های‌دگر‌نویسنده‌با‌یک‌است‌به‌فلسف‌ایدئالیسم‌المغنی‌برهسار‌کرده‌اند‌و‌لوا‌ت‌ها‌در‌مقام‌متفکر‌و‌شنگری‌بزل‌خلط‌شد‌این‌چنانچوش‌کردن‌های‌دگر‌در‌سنت‌فلسفه‌ایدئالیستی‌المغنی‌بهراحتی‌لوا‌را‌از‌مناط‌های‌سیاسی‌اش‌قارغ‌می‌کنند‌چیزی‌که‌ما‌در‌سنت‌فلسفه‌قارغ‌ای‌فرانسوی‌و‌آمریکایی‌عکس‌آن‌را‌می‌بینیم‌یعنی‌تاکید‌و‌تامل‌در‌باب‌مناط‌های‌سیاسی‌های‌دگر‌نویسنده.

اگر‌این‌طمنه‌را‌باید‌بیرم‌که‌هور‌کهایم‌در‌جواب‌آرست‌که‌مدعی‌بود‌های‌دگر‌فلسوفی‌است‌که‌انطرب‌آدمی‌را‌در‌مواجهه‌با‌مر‌گ‌به‌بهترین‌وجه‌نشان‌داده‌است‌و‌سجس‌هور‌کهایم‌یعنی‌بر‌لینکه‌(نقل‌به‌مضمون)‌فرم‌تجدد‌ان‌فلسفی‌اندام‌این‌به‌مراتب‌بهتر‌این‌کار‌را‌انجام‌داده‌است‌می‌تواند‌ما‌را‌به‌همان‌مناط‌سیاسی‌رهمون‌مسازت‌پارها‌و‌پارها‌عضیران‌و‌شمار‌حان‌اگر‌فلسفه‌های‌دگر‌کوشنده‌اگر‌ده‌اند‌که‌های‌دگر‌در‌لوا‌ت‌ها‌نشان‌با‌فایشیسم‌دچار‌یک‌خطای‌ناب‌یعنی‌بزرگ‌شده‌است‌و‌بنا‌بر‌این‌آنها‌به‌همین‌راحتی‌به‌این‌نتیجه‌می‌رسند‌که‌اساساً‌زندگی‌سیاسی‌های‌دگر‌بسی‌با‌حیات‌خلقی‌اش‌تکره‌ما‌ما‌حلقه‌متصله‌زندگی‌سیاسی‌و‌حیات‌فلسفی‌های‌دگر‌مفهوم‌مشترک‌است.

